

تحلیل مفهوم و مصداق وحی عملی از منظر آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم

حسین مقدس * | جواد کارخانه **

چکیده

بی تردید یکی از مباحث مهمی که در حوزه علوم قرآنی وجود دارد و مفسران متعددی در مورد آن سخن گفتند مسئله وحی الهی است. در قرآن واژه وحی گاهی از سوی خدا و زمانی هم از سوی شیطان به اولیای خویش صورت می گیرد. از این رو فهم حقیقت معنای وحی می تواند نقش به سزایی در این مهم باشد. با مراجعه به آثار حضرت علامه جوادی آملی به خصوص در تفسیر قیم تسنیم می توان اذعان نمود که وحی در دو قالب شکل می گیرد. از یافته های تحقیق در آثار این استاد این گونه بر آمد که وحی گاهی تشریعی، علمی و حکمی مخصوص انبیاء و رسولان الهی بوده و زمانی هم به صورت تکوینی، عملی و فعلی صورت پیدا می کرده که نه فقط مخصوص رسولان الهی بلکه شامل سائر انسانها و بلکه برخی حشرات مانند زنبور نیز می شود. لذا این پژوهش تلاش نموده به روش تحلیلی ضمن تعریفی مفهومی از وحی عملی به برخی از مصداق آن، همچون وحی عملی به برخی انبیاء الهی و برخی موجودات و همچنین اشاره ای به کاربرد وحی در مورد شیطان، از منظر حضرت استاد جوادی آملی بپردازد.

کلیدواژه ها

وحی تشریعی، وحی عملی، تفسیر تسنیم، جوادی آملی.
پژوهش های قرآنی و مطالعات فقهی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. (نویسنده مسئول) (m.kor82@yahoo.com)

** استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. (karkhaneh@quran.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶)

مقدمه

مفسران قرآن کریم با استناد به آیه ۵۱ سوره مبارکه شوری، تکلم خدای متعال با انسان را در سه قالب وحی مستقیم، من وراء حجاب و ارسال پیک و رسول بیان می‌دارند. از این رو خدای متعال گاهی بی واسطه با انسان سخن می‌گوید که نمونه بارز آن را می‌توان در گفتگوی خدای متعال با پیامبر اسلام ﷺ بر اساس آیه «وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل/ ۶) دانست. و گاهی من وراء حجاب می‌باشد که نمونه آن در تکلم خدای متعال با حضرت موسی ﷺ است: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». (فصل/ ۳۰) و نمونه سوم آن را در قالب ارسال رسول یعنی فرشته وحی و جبرئیل می‌توان دانست که فرمود: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شعراء/ ۱۹۳) اما آنچه در اینجا قابل دقت می‌باشد خطاب خدای متعال در قالب وحی است که با توجه به کاربرد آن در قرآن کریم گاهی این خطاب به پیامبران و زمانی هم به سائر انسانها و حتی برخی حشرات مانند زنبور نیز می‌باشد. از این رو وحی معنای عامی پیدا می‌کند. لذا مفسرانی چون حضرت علامه جوادی آملی از وحی به دو نوع علمی و عملی و یا حکمی و فعلی و تعبیر دیگری چون تشریعی و تکوینی یاد می‌کنند. اکنون مسئله این پژوهش بر این است که مراد از وحی عملی و یا تکوینی چیست و مصادیق کاربرد آن در قرآن کریم چگونه می‌باشد؟ این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی آثار علامه جوادی آملی به تبیین حقیقت وحی در این قالب پرداخته و برخی مصادیق و کاربرد آن را از منظر قرآن کریم بیان دارد.

۱. مفهوم شناسی وحی

علمای لغت معتقدند که اصل وَحًی همان اشارات سریع و سری است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۸۵۸) استاد جوادی آملی نیز با بیان این که وحی چیز سریع و مخفی است (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۱، ص. ۵۷۷) معتقدند که وحی، اصل وقاعده ای برای رساندن علم و غیر آن است و ویژگی های آن

عبارت است از: اشاره سریع به نوشتار و رسالت، و گاهی اعلام به رمز و تعریض، و زمانی به صوبت برهنه از ترکیب، اشاره به برخی اعضا، و زمانی به الهام و کلام پنهان. بنابراین، پنهان، سریع و مرموز بودن از ارکان اصلی وحی به شمار می‌رود. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج. ۳، ص. ۵۳) ایشان با بیان این که وحی، غالباً از سنخ علم و ادراک است، و علم و ادراک، نحوه خاص وجود است که منزّه از ماهیت است؛ معتقدند که وحی، مفهومی برگرفته از «هستی» است. از این رو، «ماهیت» ندارد و نمی‌توان آن را از طریق جنس و فصل و حدّ و رسم، تعریف کرد. پس وحی، منزّه از آن است که تحت مقولات معروف ماهوی قرار گیرد و مفهوم وحی مانند معنای هستی دارای مصداقی است که آن مصداق، مراتب گونه‌گون و متفاوتی دارد. (همان)

با توجه به توضیح فوق در جهت شناخت حقیقت وحی، ابتدا باید با توجه به کاربرد واژه وحی در قرآن، آن را از دو نگاه عام و خاص می‌توان مورد مطالعه قرار داد. گاهی مراد از وحی ارتباط خاص و ویژه‌ای است که خدای متعال با پیامبران خویش دارد و زمانی هم دایره آن شمول داشته و نه تنها در قالب سخن با پیامبران بلکه حتی برخی رفتار و الهامات به سائر انسانها و امور غریزی در حشرات را نیز شامل می‌شود. از این رو استاد جوادی آملی زمانی معنای خاص وحی را مورد تحلیل قرار داده و زمانی نیز به معنای عام آن توجه می‌دهند. در این راستا نگرش آیت‌الله جوادی آملی به وحی را می‌توان از دو منظر بررسی نمود: یکی از جهت فاعل و وحی‌کننده و دیگر از جهت قابل و دریافت‌کننده. وحی از جهت فاعلی که کلمه و فعل الهی است، عبارت است از گونه‌ای القای خفی که طی آن خداوند، علم و جزم و یا عمل و عزمی را به بنده‌اش القا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۵-۱۵۲). با توجه به این مهم، وحی از جهت فاعلی، تجلی ذاتی پروردگار و از جهت قابلی، محل تجلی و ظهور است.

آیت‌الله جوادی آملی ضمن این که وحی را کلمه و فعل الهی می‌داند که از سوی خدای متعال

افاضه می شود معتقدند که تنزل وحی از مقام عقل محض به عالم طبیعت بوده و با استناد به آیه «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ» (شعرا/ ۱۹۴-۱۹۳) بیان می دارند که این تنزل، از مقام غیبی بوده و نیز ترقی روح پیامبر به مقام عقل محض و تلقی از نزد خداوند از آیه «وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل/ ۶) ثابت می شود. (جوادی آملی ۱۳۸۱، ص. ۴۳-۴۴)

استاد جوادی آملی با این بیان که کلام خداوند افاضه هستی است، در مورد نزول قرآن کریم معتقدند که قرآن با نزول به عالم ماده، به صورت قرآن عربی تجلی می کند. بنابراین حقیقت قرآن که در مقام لدن بر پیامبر اکرم نازل شده، میرا از صوت و لفظ است؛ ولی وقتی در مرتبه وجود مادی قرار می گیرد، به صورت صوت و لفظ ظاهر می شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص. ۵۷-۶۹)

از منظر ایشان، وحی آسمانی مشاهده همه حقایق و معارفی است که در تأمین حیات معقول انسانی به وسیله علوم حضوری، اثرگذار است و نیز ادراک کامل آنها بعد از تنزل به صورت مفهوم و مسموع، با علم حصولی است و چون «مبدأ فاعلی» وحی آسمانی پروردگار است که به سراسر هستی علم محض دارد و در حریم دانش او جهل و نسیان و غفلت راه ندارد و نیز پیک وحی، فرشته علیم و امین است و «مبدأ قابلی» وحی، قلب معصوم پیامبر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۱۰، ص. ۴۶۷)

۲. وحی حکمی و فعلی

از نکات قابل توجه در مورد انسان این است که بدانیم انسان دارای دو شأن علمی و عملی است. لذا می توان اذعان نمود که مطالب ادراکی برخاسته از عقل نظری همچون جزم و گمان به شأن علمی او، و مطالب تحریکی و اجرایی برآمده از عقل عملی همچون عزم، اراده، اخلاص و محبت به شأن عملی وی باز می گردند. از منظر استاد جوادی آملی، خدای متعال گاهی از مجرای جزم علمی به انبیاء ﷺ و انسان های کامل - با حفظ مراتب و مناصب آنان - مطالب علمی عطا می کند؛ مثلاً وحی قانونی می فرستد که حکم فلان عمل، واجب یا حرام است؛ یا در گذشته چنین بود و در آینده چنان

خواهد شد؛ یا وضعیت برزخ، اعراف، بهشت و جهنم و دیگر مسائل قیامت را از راه وحی به آنان گزارش می‌دهد. این گونه وحی را « وحی حکمی » یا « وحی به حکم و علم » می‌نامند؛ ولی زمانی در بخش عزم عملی، گرایش به کاری را به آنان القا می‌کند: « وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ » (انبیاء/ ۷۳) یعنی ما به دستگاه تصمیم‌گیری آنان وحی کردیم، تا نخست به کارهای نیک علاقه مند شوند؛ سپس با گرایشی سازماندهی شده و اراده ای قوی، آن‌ها خیرات را خالصانه انجام دهند. این گونه وحی را « وحی فعلی » یا « وحی به فعل » خوانند. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج. ۴۶، ص. ۴۹۹)

از منظر استاد جوادی آملی وحی فعلی، به پیامبران الهی علیهم‌السلام اختصاص ندارد، بلکه خدای حکیم به دیگران نیز گرایش می‌دهد، تا کار خاصی را انجام دهند. (همان. ص. ۵۰۰) ایشان همچنین در جایی ضمن بیان این نکته که وحی علمی همان وحی احکام شریعت و مخصوص پیامبران است، وحی عملی را مختص به نبوت و امامت ندانسته بلکه معتقدند خدای متعال در قلب ولی ای از اولیای خود تصمیم و عزم و اراده را القاء می‌کند که مثلاً کاری را انجام دهد. (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۱، ص. ۱۹۱) ایشان همچنین گاهی وحی را تشریعی و برای ابلاغ به همه مردم دانسته، و زمانی وحی را برای عمل به شریعت می‌داند که به فعل تعلق می‌گیرد نه به حکم و گاهی نیز با استناد به آیه: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء/ ۷۳) از وحی، تعبیر به وحی تسدید، توفیقی و تأییدی می‌کنند مانند وحی به ائمه اهل بیت علیهم‌السلام که مستلزم تشریع نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۱۴، ص. ۲۴۰) استاد جوادی آملی در ذیل بحث از آیه مبارکه «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ» (توبه/ ۲۶) معتقدند که خدا با نزول فیض و آرامش بر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را یاری کرد که این خود، وحی الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج. ۳۴، ص. ۶۶) ایشان، با بیان این که وحی، گاهی به اندیشه برمی‌گردد و زمانی به انگیزه، با تقسیم وحی اندیشه ای معتقدند: «وحی اندیشه ای، دو قسم است، زیرا یا در زمینه تشریع است که ویژه پیامبر الهی است و کسی در آن سهیم نیست و یا درباره علم غیب و علوم و

معارف الهی است که مشترک برای پیغمبر ﷺ و امامان معصومین است. قسم نخست، یعنی رسالت و شریعت، مخصوص رسول خدا ﷺ است و با رحلت آن حضرت ﷺ پایان یافت، چنان که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام پس از رحلت پیامبر ﷺ فرمود: «لَقَدْ انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقُطْ بِمَوْتِ غَيْرِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۵) پس وحی تشریعی دین در زمان پیغمبر ﷺ به مرحله کمال و تمام رسید و پس از او دیگر حکمی نازل نخواهد شد. اما قسم دوم از وحی اندیشه ای، یعنی اخبار غیب و معارف الهی، تا قیامت ادامه دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج. ۳۴، ص. ۶۷) استاد جوادی آملی پیشرفت در علوم و معارف علمی دیگر غیر غیبی را که بهره دیگران نیز می شود را الهام اندیشه ای دانسته و معتقدند که این قسم از وحی با حریم وحی معروف فاصله دارد. (همان)

علامه جوادی آملی همچنین با اشاره به وحی انگیزه ای بیان می دارند که :

«این وحی، در مقام عمل و گرایش قلبی است. گاهی راه مشخص است و هر دو سویش صحیح و حلال، و هر دو به ظاهر بی محذورند؛ ولی در عمل انسان به سمتی می گراید. همان گونه که شیطان وسوسه می کند و انسان را به سویی متمایل می کند، فرشتگان الهی نیز گاهی از راه الهام، در دل انسان اثر گذاشته و به سویی علاقه مند می کنند که این شوق، گرایش و دلبستگی، همان وحی انگیزه ای است (همان، ص. ۶۷)

باید دانست که قرآن کریم از بسیاری نام می برد که به آنان وحی عملی شده است؛ نه علمی. از این رو هست که می توان گفت انزال سکینت و طمأنینه بر پیامبر ﷺ نیز وحی انگیزه ای و عملی است؛ نه علمی، پس به عقل عملی باز می گردد.

استاد جوادی آملی با بیان این که وحی، کلید دین است و تنها خدا می داند که این امانت سنگین را در اختیار چه کسی بگذارد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج. ۳۶، ص. ۷۲) نزول وحی و نبوت انبیاء را ضرورتی تخلف ناپذیر می دانند و معتقدند که پروراندن انسان که موجود متفکر مختار است، تنها به دست انبیاء و به کمک وحی عملی است: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ» (نساء/ ۱۱۳) پس نزول وحی و بعثت انبیاء،

نه تنها مایه شگفتی نیست، ضرورتی حتمی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج. ۳۶، ص. ۷۰)

ایشان همچنین با تفکیک میان وحی به فعل و وحی فعل، وحی به فعل را وحی تشریعی دانسته که خدای متعال از راه فرشتگان به پیامبران علیهم السلام می‌رساند و در محدوده علم و جزم است و اما در وحی فعل، پیامبر یا امام بودن ضرورت ندارد و این گونه وحی، به مؤمنان نیز انجام می‌گیرد و مدبرات امری که زیر مجموعه برترند، به اذن خدا برخی از خیرها را به مؤمنان القا می‌کنند. همگی وحی الهی به آن‌هایند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج. ۴۰، ص. ۲۱۹)

استاد جوادی آملی در جایی با تفکیک میان این دو نوع وحی معتقدند که علم به اینکه چه چیزهایی خیر است و دانستن مثلاً حکم و جوب نماز، عدد رکعات آن، جهر و اخفات، قصر و اتمام آن، همگی اموری علمی و مخصوص پیامبرند و با وحی تشریعی حل می‌شوند؛ اما خواندن نماز با نیت خالص در ابتدای وقت، فعل اند که با وحی عملی و عزمی حل می‌شود. (همان)

۳. وحی عملی به پیامبران و ائمه

استاد جوادی آملی وحی را گاهی در بخش علمی دانسته و زمانی به بخش عملی و از سویی آن را به دو جناح علمی و عملی مربوط می‌دانند (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۵۶، ص. ۶۵۸). از منظر ایشان نمونه وحی علمی، گزارشهای غیبی خدا به پیامبران و به حضرت رسول اکرم درباره رخدادهای گذشتگان «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ» (هود/ ۴۹) و اعلام قوانین و احکام شرعی و نمونه وحی عملی نیز در آیه و اَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فَعَلِ الْخَيْرَاتِ (انبیاء/ ۷۳) آمده، و همچنین نمونه وحی تلفیقی از علم و عمل از قبیل وحی به وجود مبارک نوح است که تعلیم کشتی سازی را با توفیق عملی کشتی سازی همراه کرد «وَأَوْصِنَ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا». (هود/ ۳۷) (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۵۶، ص. ۶۵۹)

ایشان با تفکیک قائل شدن میان وحی تشریعی و تکوینی انبیاء معتقدند که وحی تشریعی انبیا از وحی تکوینی آنان ممتاز است؛ چه رسد به مصداق دیگر وحی. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج. ۳، ص. ۵۷) لذا

استاد جوادی آملی در ذیل آیه ۷۳ سوره مبارکه انبیاء بیان می‌دارند که:

«امامان تکوینی کسانی اند که خدای سبحان با آنان تکویناً کار میکند و خروجی این کار تکوینی، هم رهبری تکوینی است. خدای سبحان به انبیای الهی کارهای رسالتی و وحی و نبوت و احکام را ابلاغ می‌کند؛ یعنی از راه وحی، حرام و حلال و واجب و مستحب و مکروه را که احکام شریعت اند، به آنان می‌رساند و ایشان هم آگاه می‌شوند و هم عمل می‌کنند؛ اما بر پایه آیه مورد بحث خدا می‌فرماید به بخش عملی ابراهیم، لوط، اسحاق و یعقوب وحی کردیم نه به بخش نظری». (همان، ص. ۶۶۰)

از منظر استاد جوادی آملی می‌توان این گونه دانست که آنچه به عنوان کمال مشترک برای آن ذوات قدسی علیهم‌السلام مطرح است، همانا فرود آمدن وحی فعل و الهام انجام دادن این اعمال صالح است. لذا انجام دادن کارهای خیر عموماً، و نماز و زکات خصوصاً از راه وحی فعل و الهام عمل، به آن ذوات نورانی علیهم‌السلام «ایحاء» می‌شود؛ یعنی انگیزه انجام دادن چنین کارهای خیری که برخی از آن‌ها عمود دین و بعضی از آن‌ها مایه طهارت روح اند؛ به صاحبان مقام امامت علیهم‌السلام وحی می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸/ ص ۱۱۹)

۴. هماهنگی وحی عمل با اختیار پیامبران

از نکات قابل دقت در وحی عملی به خصوص آن چه در مورد انبیاء الهی صورت می‌گیرد هماهنگی وحی با اختیار و سلب جبر است. لذا باید گفت که اینگونه نیست که اگر بحث وحی فعلی انبیاء مطرح می‌شود نافی اختیار بوده و مستلزم جبر گردد. استاد جوادی آملی در این زمینه معتقدند:

«وحی عملی مستلزم جبر نیست. خدا به امر تکوینی خود، در دلها گرایش به عمل خیر را ایجاد می‌کند و انسان به آن علاقه مند می‌شود؛ ولی در انجام دادن یا ندادن آن اختیار دارد. البته آنجا که

چیزی دارای اسباب باشد مراد از وحی فعلی و ایجاد علاقه به مسبب، تسهیل گرایش به آن اسباب و تحمل رنج اندک آنهاست. خدای سبحان به برکت ائمه گرایش به خوبی ها را می آفریند و آنها را برای انسان آسان میگرداند. این گرایش ها رایگان و عادی و تصادفی نیستند و امام معصوم این جاذبه را پدید می آورد. پس ایجاد جاذبه گرایش و محبت، مستلزم سلب اختیار و اثبات جبر نیست بلکه تحمل زحمت را آسان می کند. انسان علاقه مند به خوبی کار خیر را به آسانی انجام میدهد چنان که عده ای از آن سو بر اثر گرفتار شدن به قهر الهی اهل طغیان اند و به آسانی دروغ گفته یا تهمت می زنند و هیچ یک از دو دسته واداشته جبری نیستند. (همان، ص. ۶۶۳)

۵. مصادیق وحی عملی

۱.۵. وحی عمل کشتی سازی به حضرت نوح علیه السلام

خدای متعال در آیه: **وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا** (هود/ ۳۷) دستور ساخت کشتی ای را به حضرت نوح علیه السلام می دهد که باید در دیدگاه و طبق وحی الهی ساخته شود. از منظر استاد جوادی آملی این وحی، مصداقی از وحی عملی شناخته می شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج. ۳۸، ص. ۲۵۸) ایشان در تفسیر این بخش از آیه ضمن تبیین اقسام وحی به دو قسم علمی و عملی، وحی های عملی را مانند شوق انجام دادن کاری در انسان یا گفتن سخنی بیان می دارند که انسان راهکارش را هم یاد می گیرد. مرتبه کامل این گونه وحی برای پیامبران علیهم السلام و مرتبه رقیق آن برای اولیا و مؤمنان صالح می باشد. (همان، ص. ۳۸) از منظر استاد جوادی آملی کشتی سازی نوح علیه السلام، اندازه طول، عرض و ارتفاع کشتی و نوع چوب و کیفیت ساخت آن نیز همگی با وحی و راهنمایی های عملی خدا بوده است. و چون این کشتی معجزه و خارق عادت است خدای متعال در این بخش، هم اصول علمی کشتی سازی را به او یاد داد و هم تأیید عملی او را بر عهده گرفت، ازاین رو فرمود هم به کمک ما، هم به تعلیم و حیانی ما آن کشتی را بساز و چون در برابر دیدگان غیبی ما قرار داری، مورد کمک هم هستی. (همان، ص. ۲۵۹)

۲.۵. وحی علمی و عملی به یوسف

استاد جوادی آملی در ذیل آیه: «فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (یوسف / ۱۵)

وحی الهی را به دو قسم وحی علمی و عملی دانسته و معتقدند آیه مورد بحث به هر دو جهت اشاره دارد. وحی علمی؛ یعنی ما در آن صحنه به چاه انداختن به یوسف خبر دادیم که تو محفوظ و زنده می‌مانی و در آینده جریان این رخداد را به آنان منتقل می‌کنی. این وحی در محدوده ارهاص و الهام و پایین تر از وحی نبوتی است. وحی عملی که ایجاد سکینه و آرامش در دل آن حضرت بود. درون چاه، بی آنکه اضطراب و وحشتی داشته باشد و گریه کند، برادرانش را نصیحت و وصیت کرد. این نشان وحی عملی و نزول سکینه بر دل اوست. (جوادی آملی، ۱۳۹۵ / ۴۰، ص. ۲۲۰)

از این منظر می‌توان اذعان داشت که حضرت یوسف علیه السلام به وعده خدا ایمان داشت و می‌دانست که آنچه به او القا می‌شود، وحی الهی است؛ نه غرور و القائات نفسانی و شیطانی و تأثیرات جن. خدا به یوسف علیه السلام فرمود که این سختی‌ها را تاب آور و ساکت باش و او نیز پذیرفت و همه این آزمون‌ها را با موفقیت گذراند. هیچ گله و سخن تندى نداشت و نگریست، بلکه پیام حق را شنید و برابر آن عمل کرد.

۳.۵. وحی فعل به اصحاب کهف

استاد جوادی آملی در تبیین وضعیت اصحاب کهف که از شهر خارج شده و به کوهی رسیدند و گوینده ای به آنها خطاب کرد که به داخل پناهگاهی بروند بیان می‌دارند که قرآن کریم هویت آن گوینده را مشخص نکرده است. لذا استاد سه امر را نخست محتمل می‌دانند، اول این که یکی از آنها دیگران را خطاب نماید، ثانیاً همه آنها یکدیگر را خطاب نماید و ثالثاً هاتقی از غیب آنان را ندا داده باشد. (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۵۱، ص. ۲۱۹) ایشان در نهایت با بررسی این خطاب و مقایسه آن با وحی به جناب یوسف و مادر موسی علیهما السلام که این خطابه‌ها بسان وحی بوده لیکن در مورد اصحاب

کَهِفِ واژه وحی بکار نشده است در نهایت ضمن تبیین وحی حکم و وحی فعل، عالی ترین مرتبه وحی حکم را به پیامبر اسلام نسبت داده و نازل ترین مرتبه آن را به زنبور عسل، معتقدند که تعبیرات اصحاب کَهِف را نمی توان وحی نامید. مع الوصف وحی فعل را درباره اصحاب کَهِف محتمل می دانند. زیرا وحی فعل تردید در عمل را می زداید و به غیر از پیامبران الهی اولیای الهی و گاهی برخی افراد عادی نیز از آن بهره مندند. تردید با وحی فعل بر طرف می شود زیرا وحی فعل، به عمل و تردید زدایی نظر دارد چنان که وحی حکم جایی برای شک نمی گذارد. نتیجه آنکه تعبیر به «فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ» (کَهِف / ۱۶) می تواند از قبیل وحی به فعل باشد گرچه در آیه واژه وحی به کار نرفته و مفسر به چنین مطلبی اطمینان ندارد تا بتواند به خدا اسناد دهد. (همان، ص. ۲۲۱)

۴.۵. وحی فعل به مادر موسای کلیم

استاد جوادی آملی در چگونگی ارتباط با مادر موسی علیه السلام از چندین محبت به موسای کلیم یاد می کنند که آغازش وحی به مادر اوست؛ این وحی، منت و عنایتی به خود حضرت موسی بود:

و أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ. (قصص / ۷)

آنچه از ظاهر آیه فهمیده می شود این است که در این آیه سخن از دو امر و دو نهی و دو تبشیر آمده است. او را شیر ده و هرگاه بیمناک شدی در دریا انداز؛ نه از آینده هراس داشته باش؛ نه درباره گذشته غمگین باش که بچه را از دست دادی؛ اکنون که چیزی را از دست ندادی و وی را به ما سپردی و از آینده هم هراسناک نبودی، بشارت می دهیم اولاً او را به توبه تو بر می گردانیم و ثانیاً در آینده او را از رسولان الهی قرار می دهیم. از منظر استاد، وحی به مادر موسای کلیم نیز از سنخ وحی تشریعی (علمی) نبود که به حضرت موسی فرستاده می شد، بلکه از سنخ عمل بود - نه علم - و از سنخ تصمیم بود - نه حکم. (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۵۴، ص. ۲۹۴). (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج. ۳۸، ص. ۲۵۸) وحی

عملی و وابسته به عقل عملی بود؛ نه عقل نظری. (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۵۶، ص. ۷۳) به تعبیر دیگر، وحی در این آیه وحی علمی و حکمی نیست بلکه وحی فعلی و طمأنینه و تبشیری برای مادر آن حضرت بود که فرزندش را به او برمی گردانند و پس از آن است که حضرت موسی به مقام شایسته ای خواهد رسید. (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۵۴، ص. ۳۰۰) از این منظر می توان اذعان داشت که تصور، تصدیق و جزم، کار عقل نظری است که اندیشه های آدمی را تأمین می کند، و عزم، اراده، تصمیم، گرایش عمل، محبت، اخلاص و مانند آن کارهای عقل عملی اند که انگیزه وی را تأمین میکند؛ و در این راستا وحی به مادر موسی وحی عملی یعنی در محور اراده و تصمیم گیری او بود، که بایستی مجموعه ای از کارها را انجام دهد. لذا آنچه از جریان مادر موسی کلیم الله و کاری که با کودک خویش انجام داده است فهمیده می شود این است که خدای متعال مطلبی را به مادر حضرت موسی آموخت که فقط از راه وحی به دست می آید؛ نه غیر آن. بنابر این آنچه رخ داد وحی فعلی خاص بود؛ نه وحی قانون الهی. از منظر استاد جوادی آملی وحی قانون الهی و آنچه به نبوت رسالت و دیگر منصب های الهی باز می گردد ویژه اولیای خداست که دیگران در دریافت مستقیم آن سهمی ندارند. (همان، ص. ۲۹۵) لیکن در وحی فعل، مانند وحی به مادر موسای کلیم، همراه وحی، تصمیم و اراده مطلب دیگری به نام طمأنینه و آرامش به قلب افاضه میشود که جرأت انجام دادن چنان کار خطیر را داشته باشد.

۵.۵. وحی عملی به حضرت زکریا

استاد جوادی آملی با تبیین وحی به این که وحی به معنای شعور مرموز است و ایحاء یعنی اشعار و افاضه شعور سرّی. معتقدند که وحی گاهی با گفتار افاضه می شود که وحی کلامی است؛ مانند قرآن کریم؛ و زمانی با رفتار افاضه می گردد، چون در حقیقت وحی، قول اخذ نشده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج. ۴۶، ص. ۵۰۱) ایشان نمونه ای از وحی رفتاری، را در داستان حضرت زکریا علیه السلام بیان

می‌دارند. وقتی جناب زکریا از خدا فرزند صالحی خواست و خدا وی را به حضرت یحیی علیه السلام بشارت می‌دهد، آن حضرت نشانه ای از خدای متعال طلب می‌نماید و خدای متعال علامتش را امری عملی، یعنی ناتوانی در سخن گفتن با مردم قرار داد؛ یعنی با آنکه دستگاه گویندگی او سالم و بی نقص بود، نمی‌توانست با مردم سخن بگوید؛ لیکن هنگام ذکر، دعا، نماز و خواندن آیات الهی زبانش گویا بود: « قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ ءَايَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا » (آل عمران/ ۴۱) و در چنین حالی، آن حضرت با اشاره سر، دست یا چشم و ابرو یعنی همان وحی عملی به قومش فهماند که صبح و شام تسبیح گوی خدا باشند: « فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا » (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج. ۴۶، ص. ۵۰۲) می‌توان اذعان نمود که تعلیم دانش گاهی با قول و زمانی با فعل است. تعلیم گفتاری همان آموزش با روش مرسوم و عادی است؛ ولی آموزش رفتاری آن است که انسان فقط با فعل خود چیزی را به دیگران بیاموزد؛ مثلاً داروساز در آزمایشگاه روش تهیه دارو را با عملش بیاموزد؛ یا کسی نزد فرش‌باف یا نویسنده ای، بافتن و نویسندگی را عملاً فرا گیرد، چون در حقیقت تعلیم نیز قول اخذ نشده است. گاهی با گفتار چیزی را به کسی می‌فهمانند (وحی علمی) یا گرایشی را می‌آفرینند (وحی فعلی) و زمانی با رفتار چیزی را می‌فهمانند یا گرایشی را ایجاد می‌کنند. (همان)

۵.۶. وحی فعلی به حضرت مریم و خواربون حضرت عیسی علیهما السلام

خدای متعال در خطاب به حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران/ ۴۳)؛ فرشتگان با ابلاغ پیام الهی به گونه ای که عظمت مطلب را می‌رساند از آن حضرت خواستند که در برابر آن سه فضیلت و بشارت (اصطفای نفسی، تطهیر نفسی و اصطفای نسبی) سه حق شناسی به جا آورد و در خضوع دائم و سجده و رکوع و دارای آیین نمازگزاران باشد که سجده و رکوع از اجزای مهم نمازند و سجده برترین جزء نماز است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۱۴، ص.

۲۵۰) از منظر آیت الله جوادی آملی این ندا که وحی خداست از سنخ وحی فعل است نه وحی حکم؛ یعنی گرایش به قنوت و علاقه قلبی به سجود و تمایل درونی به رکوع همگی از سنخ افعال اند نه احکام، بنابراین شائبه نبوت حضرت مریم علیها السلام بی اساس بوده و جریان نبوت انبائی و مانند آن را نباید با نبوت تشریعی خلط کرد؛ یعنی آن حضرت فقط گرایش به این امور را دریافت کرد نه آنکه حکم جدیدی به عنوان شریعت برای او آمده باشد. (همان، ص. ۲۵۲) همچنین وحیی که از سوی خدای متعال به برخی حواریان حضرت عیسی علیه السلام شد: «وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (مائده / ۱۱۱) نیز از قبیل وحی فعل بود نه وحی حکم، زیرا وحی حکم مربوط به شریعت است و گیرندگان آن، رسولان الهی اند؛ اما وحی فعل می تواند بهره غیر رسولان هم بشود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج. ۲۱، ص. ۳۵۹) و البته می توان آن را الهامی دانست که خدای متعال از این راه به قلب حواریان افکند که در حقیقت، تجدید عهد کرده و ایمانشان را مستحکم و از عیسی علیه السلام حمایت کنند، پس آیه به تجدید عهد و تحکیم ایمان پیشین ناظر است نه ایمان ابتدایی. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج. ۲۴، ص. ۲۳۸)

۷.۵. وحی فعلی و تکوینی به زنبور

استاد جوادی آملی در بحث وحی عملی نمونه نازل و ضعیف آن را وحی به زنبور عسل می داند که خدای دانا به او آموخت چگونه خانه های شش ضلعی ساخته و در کجا آنها را بسازد و چگونه عسل تولید کند؛ خدا هم علم آن و هم عملش را به زنبور آموخت: «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» (نحل / ۶۸) (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۵۶، ص. ۶۶۰)

از منظر استاد جوادی آملی میان وحی قرآنی که به معنای خاص بوده و وحی به زنبور تفاوت آشکاری وجود دارد. وحی قرآنی که خدا به پیامبر داد و آن حضرت فرا گرفت از گونه تشریعی است؛ ولی وحی به زنبور که مولد عسل است وحی تکوینی است و به اذن تکوینی خدا کار میکند؛ نه اینکه

به زنبور دستور تشریعی داده که بر فراز کوه ها خانه ساخته و عسل تولید نماید. (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۵۰، ص. ۳۷۴) از منظر استاد جوادی آملی، این وحی، فعل تکوینی خداست که قدم به قدم زنبور را راهنمایی می کند که به اذن تکوینی خدا به کجا پرواز کند، بنشیند و چه اندازه بمکد؛ یا ذخیره کند و چگونه از مواد قندی گیاهان عسل بسازد و چطور رهبری ملکه را بپذیرد. پس وحی در این آیه، به این معناست که به زنبور اذن و فرمان دادیم عسل بسازد و این وحی و اذن هر دو تکوینی هستند چنان که هر چیز دیگری در جهان به اذن خداست و این گونه اذن امری عادی است؛ (همان، ص. ۳۷۴)

استاد جوادی آملی در جایی با تقسیم وحی به دو صورت وحی تشریعی؛ تکوینی. وحی تشریعی و قانونگذاری را، مخصوص پیامبران علیهم السلام دانسته و بیان می دارند که وحی تکوینی به ایشان اختصاص ندارد، بلکه دیگر انسان ها و حیوانات، حتی جمادات را شامل می شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج. ۴۶، ص. ۴۷۹) از همین رو می توان اذعان نمود که وحی به زنبور عسل و مانند آن، وحی فعلی (وحی به فعل) است؛ نه وحی حکمی (وحی به حکم و علم) خدای سبحان در حوزه انگیزه زنبور عسل اثر می گذارد و در این حوزه به او وحی می فرستد؛ یعنی گرایش می دهد که کندوی خود را در کوه ها و داربست ها قرار دهد و آن را به صورت شش ضلعی و مهندسی شده بسازد و از شیر گل ها بمکد و عسل را تولید کند و مؤید این مطلب آن است که همیشه همه زنبورهای عسل همین گونه کار کرده و می کنند، پس وحی آن ها از سنخ فعل است؛ نه حکم. (همان، ص. ۴۷۹) از جمله قابل دقت در مورد وحی فعلی به زنبور، بررسی محتوای آن وحی می باشد. این خطاب به سه چیز صورت گرفته است. اولاً خانه سازی آگاهانه و مهندسی شده، سپس تغذیه هدفمند و در نهایت پیمودن راه های نرم. از منظر استاد جوادی آملی جمله «فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا» نشان می دهد، کار زنبور عسل مصداق پیمودن «سبیل الله» است، پس هیچ گونه کجی و اعوجاج ندارد، چون راه حق، مستقیم است. (همان، ص. ۴۸۸) از سویی باید دانست که وحی الهی به زنبور عسل استمرار دارد از این رو مراد

از «نحل» طبیعت زنبور عسل است؛ نه زنبور خاص.

از منظر استاد جوادی آملی وحی تکوینی و عملی به انسانها، آسمانها و حتی حیوانات منزه از زمان خاص بوده و بیانگر سنت الهی است، ازاین رو این وحی به صورت مستمر بوده و همه زمان ها را شامل می شود. یعنی خدای متعال به زنبور عسل وحی فرستاد و می فرستد و خواهد فرستاد؛ نیز همواره انسان ها را ملهم به فجور و تقوا می آفریند و همیشه امر آسمان ها و کیفیت تدبیر آن ها را به صورت وحی می فرستد. به تعبیر دیگر از آنجایی که خدا متعال مترنم و زمانمند نیست وحی نیز منسلخ از زمان بوده، هرچند گیرنده آن در زمان خاص آن را دریافت کند. (همان، ص ۴۹۸)

۶. وحی و القائنات شیطانی

استاد جوادی آملی همان طور که وحی را به دو صورت علمی و عملی در مورد انسانها و حتی برخی حشرات تعریف نمودند معتقدند که شکلی از کاربرد وحی در قرآن کریم در مورد شیطانها نیز به کار رفته است. از منظر ایشان وحی و القائنات شیطانی نیز همانند وحی و الهامات رحمانی بر گونه علمی و عملی می باشد. گاهی شیطان در واهمه و قوه خیال کسی شبهات علمی می افکند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَيَّ أَوْلِيَانِهِمْ لِيُجَدِلُوهُمْ» (انعام / ۱۲۱) شیطان، شبهات وحی گونه خود را از راه های پنهانی و سریع و مرموز وارد دل شخص، و از آن جا وارد جامعه می کند و این ویروس خطرناک، نخست انسان و سوسه زده را از مستحبات باز می دارد و در پی آن، نسبت به واجبات نیز بی تفاوت می کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۹) لذا می توان اذعان نمود که ریشه همه اشکالات و شبهات ضد دینی، شیطان و هوای نفس است؛ لیکن ابزار کارشان در بخش های علمی، وهم و خیال است که به رهبری شیطان، نیروی عقل را خانه نشین کرده و سپس به اسارت می گیرند: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرَ تَحْتَ هَوًى أَمِيرٍ» (نهج البلاغه، حکمت: ۲۱۱) در بخش های علمی هم ابزار کارشان شهوت و غضب است که عقل عملی را منزوی می کنند. شیطان، وحی فعلی و عملی نیز دارد؛ یعنی

با ابزار شهوت و غضب و وسوسه می‌کند و در پیروان خویش عطش و گرایش کاذب می‌آفریند، تا آن‌ها را به سوی باطل و بدی بکشاند: «الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس / ۵-۶) لذا باید پذیرفت که شیطان برای متصدیانِ تهاجم و شیبخون فرهنگی در بخش اندیشه، شبهاتی علمی، و برای متصدیان فساد و تباهی در بخش‌های اجرایی و انگیزه، شهوت‌های عملی و وسوسه و گرایش به گناه و فساد ایجاد می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج. ۴۶، ص. ۵۰۱)

نتیجه‌گیری

هر چند در مورد وحی سخنان فراوانی گفته شده است لیکن باید گفت که وحی در دو قالب تعریف می‌گردد. گاهی مراد از وحی همان معنای اصطلاحی و شرعی آن است که ارتباط خاص میان خدا و پیامبران الهی بوده در این راستا در حقیقت وحی عبارت است از تفهیم یک سلسله حقائق و معارف از جانب خداوند به انسانهای برگزیده برای ابلاغ به مردم و راهنمایی آنان. این بخش از معنای وحی ویژه انبیاء الهی بوده و دیگران با آن ارتباطی ندارند لیکن معنای دیگری نیز برای وحی می‌توان در نظر گرفت که نه تنها برای انبیاء و رسولان الهی می‌باشد برای سائر اولیاء و انسانها و حتی برخی حشرات نیز شکل می‌گیرد. از منظر حضرت آیت الله جوادی آملی این شکل از وحی که از آن به وحی تکوینی، عملی و فعلی نیز یاد می‌شود نشان از یک عزم عملی و تصمیم و اراده بر فعلی می‌باشد که از سوی خدای متعال نسبت به گیرنده آن صورت می‌گردد. از منظر قرآن کریم افرادی مانند حضرت نوح، حضرت یوسف و مادر حضرت موسی علیه السلام و حتی زنبور عسل نیز از مصادیق گیرنده وحی عملی بودند. باید گفت هر چند وحی تشریعی با رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قطع گشت اما وحی عملی می‌تواند نسبت به اولیاء الهی همچنان وجود داشته باشد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- جوادی آملی. عبدالله. (۱۳۸۹) تفسیر تسنیم، ج ۱۰. محقق سعید بند علی. قم. انتشارات اسراء. چ سوم.
- _____ (۱۳۹۵) تفسیر تسنیم، ج ۳۴. محقق روح الله رزقی. قم. انتشارات اسراء. چ اول.
- _____ (۱۳۹۵) تفسیر تسنیم، ج ۴۰. محقق روح الله رزقی. قم. انتشارات اسراء. چ اول.
- _____ (۱۳۸۹) تفسیر تسنیم، ج ۱۴. محقق عبدالکریم عابدینی. قم. انتشارات اسراء. چ دوم.
- _____ (۱۳۹۴) تفسیر تسنیم، ج ۳۶. محقق محمد صفایی. قم. انتشارات اسراء. چ اول.
- _____ (۱۳۹۵) تفسیر تسنیم، ج ۳۸. محقق سعید بند علی. حسین اشرفی. قم انتشارات اسراء. چ اول.

- _____ (۱۳۹۷) تفسیر تسنیم، ج ۴۶. محقق حسین اشرفی. قم. انتشارات اسراء. چ اول.
- _____ (۱۴۰۲) تفسیر تسنیم، ج ۵۶. محقق سعید بند علی. قم انتشارات اسراء. چ چهارم.
- _____ (۱۳۸۱) قرآن در قرآن، محقق محمد محرابی. قم، انتشارات اسراء..
- _____ (۱۴۰۱) تفسیر تسنیم، ج ۵۱. محقق روح الله رزقی. قم. انتشارات اسراء. چ چهارم.
- _____ (۱۳۹۰) تفسیر تسنیم، ج ۲۴. محقق احمد قدسی. قم. انتشارات اسراء. چ اول.
- _____ (۱۴۰۱) تفسیر تسنیم، ج ۵۴. محقق سعید بند علی. قم. انتشارات اسراء. چ چهارم.
- _____ (۱۳۸۹) تفسیر تسنیم، ج ۲۱. محقق مجید حیدریفر. قم. انتشارات اسراء. چ اول.
- _____ (۱۴۰۲) تفسیر تسنیم، ج ۷۱. محقق سعید بند علی. قم. انتشارات اسراء. چ اول.
- _____ (۱۳۸۴) تفسیر موضوعی قرآن، ج ۳. محقق علی زمانی قمشه ای. چ دوم.
- _____ (۱۳۸۸) ادب فنای مقربان، ج ۷. محقق محمد صفایی. قم. انتشارات اسراء. چ اول.
- _____ (۱۳۸۷) وحی و نبوت، قم. انتشارات اسراء.
- راغب اصفهانی. حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات راغب اصفهانی، محقق صفوان عدنان. لبنان بیروت. چ اول.